



دانشگاه علامه طباطبائی

(دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی)

اثر بخشی آموزش تفکر انتقادی بر تغییر نگرش نسبت به مواد مخدر در  
دانش آموزان دبیرستانی شهرستان یزد

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته مشاوره مدرسه

استاد راهنما: دکتر فرامرز سهرابی

استاد مشاور: دکتر ابوالفضل کرمی

استاد داور: دکتر احمد اعتمادی

پژوهشگر: افسر خلیلی

سال تحصیلی: ۸۸-۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

یگانه ذات احدیت، آن که عالم تفکر، تقدیمی است ز وجود منور او.

تقدیم به آنان که:

برگ های سبز و باطراوت زندگی خویش را

در راه پرورش تفکر عاشقانه ورق زده اند.

و تقدیم به عزیزترین های زندگی:

پدر و مادر پرتلاشم،

همسر بسیار صبور و همراهم،

دو فرزند عزیز و محبوبم.

## سپاسگزاری:

برخود لازم می دانم، مراتب سپاس و قدردانی خود را از مدیر محترم گروه و پیشکسوت رشته مشاوره و راهنمایی جناب آقای دکتر کرمی که در انتخاب اولیه ی موضوع و در طول تحصیل از ارائه ی طریق ایشان بهره مند گردیدم، اعلام دارم.

همچنین از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر فرامرز سهرابی که در دوره پژوهش از راهنمایی مشفقانه و بذل محبت همه جانبه ایشان بهره مند شدم و از ارشادات خاضعانه جناب آقای دکتر کرمی، استاد مشاور محترم مراتب امتنان و تشکر خود را ابراز می نمایم.

از استاد محترم داور، جناب آقای دکتر احمد اعتمادی که زحمت قضاوت این پایان نامه را بر عهده داشتند و بسیار دلسوزانه و عالمانه اینجانب را در تکمیل نهایی این پروژه یاری نمودند، کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: مقدمه پژوهش

۲.....	مقدمه.....
۶.....	بیان مسئله پژوهش.....
۱۱.....	اهمیت و ضرورت مسئله.....
۱۵.....	اهداف پژوهش.....
۱۶.....	فرضیه های پژوهش.....
۱۷.....	تعاریف نظری و عملیاتی پژوهش.....

### فصل دوم: مبانی نظری مسأله مورد بررسی و سوابق پژوهشی

۲۲.....	مقدمه.....
۲۳.....	نگرش.....
۲۶.....	اجزای نگرش.....
۲۷.....	شکل گیری نگرش.....
۳۰.....	نگرش و رفتار.....
	نظریه های تبیین سوء مصرف مواد
	نظریه های شناختی - عاطفی
۳۴.....	نظریه عمل متکی بر استدلال.....
۳۵.....	نظریه رفتار طرح ریزی شده.....
	نظریه های یادگیری اجتماعی
۳۷.....	نظریه یادگیری اجتماعی.....
۳۸.....	نظریه یادگیری اجتماعی شناختی.....
	نظریه های تعهد به رسوم و قواعد و تعلق اجتماعی
۴۰.....	نظریه کنترل اجتماعی.....
۴۱.....	نظریه الگوی رشد اجتماعی.....
	نظریه هایی که بر ویژگی های درونی افراد تأکید دارند
۴۲.....	مدل بوم شناسی اجتماعی.....

۴۳.....	نظریه تحقیر خود.....
۴۴.....	الگوی یادگیری اجتماعی چند مرحله ای.....
۴۵.....	نظریه تعامل خانواده.....
	نظریه های یکپارچه نگری عوامل شناختی، عاطفی، یادگیری تعهد و دل بستگی
۴۶.....	نظریه رفتار مشکل.....
۴۷.....	نظریه گروه همسالان.....
۴۸.....	الگوی آسیب پذیری.....
۴۹.....	الگوی حوزه و زمینه.....
۵۰.....	رویکرد سیستمی به عوامل مؤثر بر سوء مصرف مواد.....
۵۲.....	علل ایجاد کننده اعتیاد.....
۵۴.....	مهارت های زندگی.....
۵۷.....	تفکر.....
	ابعاد
۵۸.....	تفکر.....
	تفکر
۵۹.....	انتقادی.....
۶۶.....	مقایسه انواع تفکر.....
۶۸.....	آیا تفکر انتقادی قابل آموزش است؟.....
۷۰.....	ویژگی های فرد متفکر منتقد.....
۷۱.....	فرایند تبدیل شدن به متفکر منتقد.....
۷۲.....	مؤلفه های تفکر انتقادی.....
۷۴.....	ده مهارت تفکر انتقادی.....
۷۴.....	فنون عملی تفکر انتقادی.....
۷۸.....	پیشینه نظری پژوهش.....
۷۹.....	پژوهش های عملیاتی پژوهش.....

## فصل سوم: روش شناسی پژوهش

۸۴.....	مقدمه.....
۸۵.....	روش پژوهش.....
۸۶.....	جامعه آماری.....
۸۶.....	نمونه آماری و روش نمونه گیری.....

ابزار پژوهش.....۸۷

روش های تجزیه و تحلیل داده ها.....۸۹

### فصل چهارم: یافته های پژوهش

مقدمه.....۹۲

توصیف و تحلیل داده ها.....۹۳

### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

مقدمه.....۱۰۱

بحث و نتیجه گیری.....۱۰۲

پیشنهادات پژوهش.....۱۰۸

فهرست منابع.....۱۱۰

پیوست ها

## چکیده:

مصرف سوء مواد مخدر، به عنوان یکی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و روانی، واقعیت‌نویسی است که آفت بزرگ بشریت در عصر کنونی نام گرفته است. کشور جوان ما نیز این قاعده مستثنی نیست. از این رو برنامه ریزی، تدوین و اجرای روش‌های پیشگیری ضروری می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است با استفاده از آموزش تفکر انتقادی، نگرش نوجوانان نسبت به سوء مصرف مواد را تغییر داده و آن‌ها را در برابر این بلا ایمن‌سازی کنیم.

این پژوهش یک طرح آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است که با هدف تعیین تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر یزد نسبت به سوء مصرف مواد اجرا شده است. بدین منظور پنج فرضیه تدوین شد: ۱- آموزش مهارت تفکر انتقادی، بر مؤلفه شناختی نگرش نسبت به مواد مخدر در دانش‌آموزان مؤثر است. ۲- آموزش مهارت تفکر انتقادی، بر مؤلفه عاطفی نگرش نسبت به مواد مخدر در دانش‌آموزان مؤثر است. ۳- آموزش مهارت تفکر انتقادی، بر مؤلفه رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان مؤثر است. ۴- آموزش مهارت تفکر انتقادی، بر نگرش کلی نسبت به مصرف مواد در دانش‌آموزان مؤثر است. ۵- تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه پایدار است.

برای آزمون این فرضیه‌ها، ۴۰ نفر از دانش‌آموزان پسر پایه اول از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. سپس به طور تصادفی ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل جایگزین شدند. از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد. گروه آزمایش به مدت ۲ ماه در ۸ جلسه ۱/۵ ساعته آموزش مهارت تفکر انتقادی شرکت کردند اما بر گروه کنترل هیچ تغییری اعمال نشد. سپس از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. برای سنجش میزان پایداری این آموزش، ۳ ماه بعد از پس‌آزمون، از گروه آزمایش پس‌آزمون دیگری به عمل آمد. داده‌ها توسط روش‌های آماری تحلیل کوواریانس و آزمون لوین و  $t$  توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج آماری نشان داد که آموزش تفکر انتقادی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد، مؤثر بوده است، لیکن این تأثیر در مؤلفه عاطفی نگرش معنادار نبود. پایداری آموزش به مدت ۳ ماه هم تأیید گردید.

همان‌طور که مشخص گردید، آموزش مهارت تفکر انتقادی می‌تواند به نوجوان کمک کند تا با استفاده از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، از دانش و ذکاوت خود استفاده نموده و به منطقی‌ترین موقعیت درباره موضوعی خاص (مواد مخدر) دست یابد و با استفاده از این مهارت فردی بتواند بر موقعیت‌های پرخطر مثل گرایش و تمایل به سمت مواد مخدر غلبه پیدا کند. با توجه به این مباحث، به محققان توصیه می‌شود در تهیه و اجرای رویکردهای پیشگیرانه، به مهارت تفکر انتقادی توجه بیشتری داشته باشند.

**کلید واژه‌ها:** مهارت تفکر انتقادی، نگرش، نگرش نسبت به مواد مخدر، مواد مخدر، سوء مصرف مواد.



فصل اول

کلیات

## مقدمه

اعتیاد پدیده ای است که از زمان های دور در جوامع مختلف بشری وجود داشته و در حال حاضر نیز به موازات پیشرفت های علمی و افزایش غیر قابل تردید سطح شعور و آگاهی مردم، همچنان در حال گسترش می باشد و هر ساله افراد زیادی را به دام خود می اندازد.

سوء مصرف مواد مخدر یکی از مسائل مبتلا به جهان امروز است که سلامت میلیون ها انسان را به شدت تهدید می کند. این پدیده را بدان سبب «بلائی هستی سوز» می نامند که ویرانگری های حاصل از آن زمینه ساز سقوط بسیاری از ارزش ها و معیارهای اخلاقی گردیده، سلامت جامعه را به خطر می اندازد و هر سال قربانیان بی شماری را به آغوش سرد خاک می کشاند. این موضوع هنوز هم یکی از آسیب های اجتماعی- فردی است که دامنگیر بسیاری از جوامع است. اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک مشکل اجتماعی، پدیده ای است استعماری، که علاوه بر زمینه های نا سالم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زمینه های شخصیتی، روانی و تربیتی نیز در چگونگی ابتلای به آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۳۸۱ اعلام داشت که هیچ معضلی در قرن حاضر جهان را به اندازه اعتیاد در تاریکی و فنا فرو نبرده است و اعتیاد هم پای دو جنگ جهانی و حتی مخرب تر از آن مرگ و میر و آوارگی و ... را به دنبال داشته است (رئیس، ۱۳۸۲).

در سال های اخیر مسئله اعتیاد با ایجاد دگرگونی در انواع مواد مخدر و تنوع در نحوه مصرف آن ها، صورتی پر مخاطره تر از پیش به خود گرفته است. معتادان پس از مدت ها مصرف یک نوع مواد مخدر به ماده قوی تری پناه می برند و بدین طریق اعتیاد از یک ماده را به چند ماده مبدل می سازند و این است که می بینیم هر روز به تعداد معتادان چه در ایران و چه در جهان افزوده می شود و تعدادی از گروه های اجتماعی برای فراموشی در پی تسکین کمبود و آلام روحی به این ماده روی می آورند.

امروزه کسی نیست که در خصوص مضرات و اثرات سوء سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معضل اعتیاد شکی داشته باشد. کارشناسان و صاحب‌نظران معتقدند در حال حاضر بحران مواد مخدر در کنار سه بحران موجود دیگر «بحران نابودی محیط زیست، بحران تهدید اتمی، بحران فقر» به عنوان مسئله جهانی روز در آمده است و در صدد هستند به هر شکل ممکن نسبت به مهار و کنترل آن اقدام نمایند. متأسفانه دامنه این بحران با توجه به موقعیت خاص کشور ایران گریبان گیر نظام جمهوری اسلامی شده و می رود به یک تهدید ملی تبدیل گردد. طبیعی است که حل این بحران، معضل و بلای خانمان سوز از عهده یک سازمان و یا چند مرجع آن هم صرفاً با برخورد قهری نه تنها خارج بوده، بلکه نگرش یک بعدی به مسئله است و وضعیت فعلی را بدتر خواهد نمود به گونه ای که عمیقاً احساس می شود و تنها راه حل موضوع ایجاد عزم ملی و بسیج همگانی در این راستاست..

اعتیاد به مواد مخدر را از هر زاویه ای اعم از اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و ... نگاه کنیم یکی از مسائل بزرگ و جهان و جامعه ماست که ابعاد مختلفی داشته و متأثر از عوامل متعددی است. مبانی نظری و تبیین کننده این مسئله از سطح خرد یعنی عوامل فردی تا سطح میانه یعنی نهادها و گروه های اجتماعی و سطح کلان جامعه ما را شامل می شود با توجه به گسترش اعتیاد در سال های اخیر نیاز به بررسی ابعاد مختلف مسئله بیش از پیش احساس می گردد.

مشکلات مربوط به مصرف قانونی و غیر قانونی داروها به تدریج کودکان، نوجوانان و بزرگسالان کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای صنعتی را تحت تأثیر قرار می دهد. ناگفته پیداست مصرف مواد مخدر تهدیدی علیه سلامت عمومی جامعه است و می تواند به ثبات اقتصادی و حتی سیاسی ملت ها آسیب برساند. و از این رو بسیاری از سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد بسیج شده اند تا با این خطر مهلک خانمان برانداز دست و پنجه نرم کنند تا شاید مبادله و قاچاق آن را ریشه کن سازند و تقاضای افراد را برای مصرف انواع مواد مخدر کاهش دهند.

به عقیده بعضی از جامعه شناسان نیاز روز افزون افراد هر جامعه به مواد مخدر نشانه ای از گرایش مردم آن جامعه به سوی انحطاط و نابودی است و به اعتقاد سیاستمداران، برای تسخیر روح ملت ها و احساسات ملی و قومی، چیزی مؤثرتر از مواد مخدر وجود ندارد و بر این باور هستند که برای تسلط بر ملت ها اثر تریاک و سایر مواد مخدر از اثر توپ و تانک بیشتر و کارآمدتر است (احمدوند، ۱۳۷۷). و این شدت آسیب سوء مصرف مواد را به ما گوشزد می کند.

آسیب های اجتماعی طی چند دهه اخیر در سراسر جهان سیر صعودی داشته است. آمارهای نگران کننده در این زمینه، کارشناسان را به بررسی این معضل و یافتن راه حلی برای آن برانگیخته است. نتیجه این بررسی ها نشان می دهد که بسیاری از آسیب های اجتماعی ناشی از کمبود مهارت های روانی - اجتماعی لازم برای برخورد موثر با مشکلات زندگی هستند. به عنوان مثال پژوهش های صورت گرفته در زمینه سوء مصرف مواد مخدر نشان داده اند که یکی از عوامل اصلی گرایش به مصرف مواد مخدر پایین بودن عزت نفس، ضعف در مهارت های ارتباطی، و حل مسئله است. بنابراین مهارت های مقاومت در برابر فشار همسالان، به عنوان یک مهارت روانی اجتماعی می تواند بازدارنده باشد. و به طور کلی مطالعات مختلف حاکی از رابطه مستقیم فقر مهارت های روانی - اجتماعی یا به طور کلی مهارت های زندگی و انواع جرم و آسیب های اجتماعی مثل خودکشی و اعتیاد، کودک آزاری، همسر آزاری، دزدی، جنایت و انجام رفتارهای مخاطره آمیز جنسی می باشد. به همین منظور یک برنامه مدون آموزش مهارت های زندگی می تواند بازدارنده یا کاهنده آسیب های اجتماعی در گروه های مختلف جامعه باشد.

امروزه در کشورهایی که امور فرهنگی و ارتقاء سطح بهداشت روانی و آموزش مربوط به پیشگیری از آسیب های روانی - اجتماعی اولویت دارند، تأکید بسیاری بر آموزش مهارت های زندگی صورت می گیرد. مجموعه این مهارت ها در جامعه صنعتی و در فضای زندگی ای که پدر و مادر و معلم به صورت تمام وقت و صمیمی و از نزدیک، ارتباط کمتری با کودک و نوجوان دارند، برای رشد اجتماعی و اخلاقی افراد ضروری

است و برابر نتایج پژوهش های انجام شده، بسیار سودمند است. یکی از این مهارت ها، مهارت تفکر انتقادی است.

در این پژوهش به بعد فردی و میان فردی در این امر توجه شده است و به بررسی مهارت تفکر انتقادی فرد و میزان تأثیر این مهارت در تغییر نگرش نسبت به مواد مخدر که پیش مقدمه و شروعی برای مصرف مواد مخدر است می پردازد.

## بیان مسئله:

مصرف سوء مواد مخدر<sup>۱</sup>، یکی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و روانی، به عنوان واقعیت نوینی است که آفت بزرگ بشریت در عصر کنونی نام گرفته است و به واسطه تبعات زیادی که بر پیکره فرد، خانواده و ساختار سیاسی-اجتماعی-اقتصادی و... به جامعه رسانده نه تنها به صورت یک تهدید ملی بلکه فراتر از مرزهای ملی به صورت یک مسئله پیچیده و جهانی در آمده است.

در زمان ما مسئله مواد مخدر شکل مخاطره آمیز و کاملاً پیچیده به خود گرفته و در عین حال گسترش جهانی یافته است. به طوری که سوء مصرف مواد به عنوان یکی از چند مشکل سلامت ملی تعریف شده است و حدود ۱۰ درصد از مردم از داروها و الکل سوء مصرف می کنند (مرسی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، به نقل از اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

با توجه به موقعیت استراتژیک ایران و قرار گیری آن در کنار کشورهای همچون افغانستان و پاکستان که جزء تولید کنندگان عمده مواد مخدر بوده؛ و از طرفی مسئله ترانزیت و عبور مواد مخدر به جهت ویژگی های خاص منطقه ای کشور ما، هم یک مسیر مناسب جهت قاچاق مواد مخدر فراهم شده و هم بازار مصرف داخلی آن رشد روز افزون داشته است. از آن جایی که کشور ما دارای جمعیت جوانی است، یعنی بیش از ۵۰٪ جمعیت کشور در سنین زیر ۲۰ سال بوده (شورای نویسندگان، ۱۳۸۲)؛ جوانان و نوجوانان ما جزء آسیب پذیرترین قشر جامعه در برابر اعتیاد هستند. آمارها نشان گر رشد روز افزون معتادین در جامعه ما است و این وظیفه همگان را در موضع تقابل با این مشکل خطیرتر می سازد.

رویکردهای مقابله با این مشکل به صورت زیر است:

### ۱- جلوگیری از عرضه مواد مخدر

---

1. substance abuse

2. Mersy

3. Smith

## ۲- درمان معتادین

### ۳- اجرای برنامه های کاهش تقاضا (همان منبع).

در طول چندین سال فعالیت توسط دستگاه های مرتبط با اعتیاد، عمده تلاش ها پیرامون مقابله با عرضه مواد مخدر انجام یافته است که ضمن کسب موفقیت هایی در جهت انجام این هدف و با تحمل خسارت های انسانی و مادی بسیار، در نهایت توفیق عمده ای در جهت جلوگیری از اشاعه اعتیاد نصیب کشورمان نگردیده است و این نشان دهنده آن است که برای پیشگیری از ابتلا افراد به اعتیاد، نیروی قانون و مبارزه با عرضه نمی تواند به تنهایی مؤثر باشد. هم چنین با نگاهی به جامعه معتادین و تلاش های آن ها برای ترک اعتیاد در می یابیم که در اغلب موارد بعد از مدت کوتاهی از ترک، مصرف مواد دوباره شروع می شود و روش های ترک اعتیاد نتوانسته است خیلی مؤثر واقع شود و هزینه های زیادی هم برای معتادان داشته است. بنا به نظر باتوین و باتوین<sup>۱</sup> (۱۹۹۷)، درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن گران و دشوار است و سیستم درمانی جامعی با رویکردهای مختلف دارو درمانی، روان درمانی، بازپروری<sup>۲</sup> را می طلبد. تأکید افراطی بر یکی از جنبه ها و رها ساختن سایر موارد با شکست درمان و عود بالا همراه است (به نقل از عبد الله پور، ۱۳۸۷).

بنا براین به نظر می رسد که مناسب ترین راه کم کردن تقاضاست.

رویکرد کاهش تقاضا در جهان عمر کوتاهی دارد و از سی سال پیش به تلاش ها و مبارزه علیه اعتیاد افزوده شده است. بررسی ها نشان می دهند که رویکرد پیشگیری نیز می بایست در کنار مبارزه با عرضه و رویکرد درمانی مورد توجه قرار گیرد. از سال ۱۹۸۰ میزان شیوع اعتیاد در کشورهایی که فعالیت های پیشگیری از اعتیاد را از طریق کاهش تقاضا با جدیت پیگیری می نماید، کاهش قابل ملاحظه ای یافته است. به عنوان مثال تعداد مصرف کنندگان مواد مخدر در امریکا در سال ۱۹۹۰، به نسبت سال ۱۹۸۵ به نصف تقلیل یافت که این تغییر مدیون فعالیت های پیشگیرانه از اعتیاد بوده است (شورای نویسندگان، ۱۳۸۲).

---

<sup>۱</sup>. Botvin & Botvin

<sup>۲</sup>.rehabilitation

مطالعات جهانی نشان داده است که در پیشگیری اولیه، آموزش همه جانبه مردم نقش قطعی و تعیین کننده دارد و سرمایه گذاری در این راستا نتایج بلند مدت و دیر پای به دنبال دارد (احمدوند، ۱۳۷۷).

در کشور ما تا سال ۱۳۷۵ برنامه های کاهش تقاضا و نیز تلاش در جهت درمان معتادین بر اساس موازین علمی کاملاً محدود و در حد ناچیز انجام پذیرفته است (شورای نویسندگان، ۱۳۸۲).

بررسی ها نشان می دهند که رویکرد پیشگیری نیز می بایست در کنار مبارزه با عرضه و رویکرد درمانی مورد توجه قرار گیرد.

در ادبیات علمی معاصر، کمتر کسی از صاحب نظران اعتیاد وجود دارد که درمان یک بعدی؛ چه صرفاً دارویی و چه صرفاً غیر دارویی را به عنوان درمان اعتیاد پیشنهاد کند، بلکه ملغمه ای از آن ها لازم است. با این حال مؤثرترین درمان ها نیز عود بالایی داشتند. در چنین شرایطی پیشگیری به طور منطقی جایگزین می شود. فرض بر این است جلوگیری از مبتلا شدن افراد به سوء مصرف مواد مخدر آسان تر از درمان این اختلال است. هدف از پیشگیری به تأخیر انداختن یا جلوگیری از شروع استفاده از مواد مخدر در جامعه است. به این ترتیب پیشگیری از ابتلای افراد جامعه به سوء مصرف مواد به معنای جلوگیری از تحمیل هزینه های سنگین به اجتماع، ابتلای افراد به ایدز و بیماری های دیگر، کاهش بازدهی در محیط کار، وقوع جرم و جنایت و در معرض خطر قرار گرفتن نسل بعدی است. یکی از روش های پیشگیرانه در برابر مصرف مواد مخدر، آگاه سازی افراد در مورد خطرهای و مضرات مواد مخدر، اصلاح نگرش افراد از نگرش مثبت به نگرش منفی به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر است (شورای نویسندگان، ۱۳۸۲).

مستقیم ترین روش مداخله به منظور ارتقای توانایی های روانی - اجتماعی، مداخله هایی است که منابع مقابله ای اشخاص و توانایی های شخصی و اجتماعی آنان را تقویت می کند.

از آن جا که موضوع نگرش افراد در بسیاری از مباحث روان شناسی از جمله روان شناسی اجتماعی، شناختی و... مورد نظر بوده است و روان شناسان معتقدند که میان نگرش افراد و تأثیر بر عملکرد ایشان و رفتارشان رابطه ای مستحکم وجود دارد و می دانیم که افراد بر اساس نوع باوری که نسبت به مواد مخدر



دارند، یا به مصرف آن روی می آورند و یا این که مصرف مواد را ترک می کنند. بنا براین یکی از راه های کنترل تقاضا، تغییر نگرش افراد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است.

آموزش تفکر انتقادی<sup>۱</sup> که یکی از انواع مهارت های زندگی<sup>۲</sup> است، به منظور بالا بردن سطح ارتقاء بهداشت روانی و غلبه یافتن بر ضعف های فرد است که گمان می رود خطر سوء مصرف مواد را افزایش دهد. آموزش تفکر انتقادی بر بعضی از متغیرهای میانجی گر از قبیل شناخت ها و نگرش های نوجوانان نسبت به مواد مخدر که بر رفتار وی تأثیر دارد اثر می گذارد.

آموزش مهارت تفکر انتقادی، به تقویت قابلیت های ذهنی و شناختی و تفکر مستدل و تیز بینانه نوجوان منجر می شود که می تواند برای حل مسائل پیچیده، اطلاعات حاصل از منابع مختلف را با هم تلفیق کند، دیدگاه های مختلف را مورد بررسی قرار دهد، خوب تجزیه و تحلیل و ارزیابی کند، فرضیه های متفاوت بسازد و به آزمایش بگذارد و سرانجام به گونه ای منتقدانه قضاوت کند (هالپرن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، به نقل از عسگری، ۱۳۸۴). همچنین این آموزش باعث می شود که نوجوان با ذهنی باز به جهان بنگرد و همراه با تأمل و تفکر و احترام به نظرات دیگران و روحیه پرسشگری و نقاد به اطراف خود بنگرد و فریب ترفندهای تبلیغاتی مختلف (علمی، هنری، سیاسی، اجتماعی و...) را نخورد (رفیع زاده، ۱۳۸۴)، و نگرش عاقلانه و مستدلی نسبت به مسائل پیرامون خود پیدا کند.

آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان و بنیان های نظام اجتماعی از یک سو با برنامه های آموزشی همگانی گسترده و از سوی دیگر با مسئولیت آموزش مهارت ها و انتقال تجربه ها، حفاظت از کیان فرهنگی و اجتماعی جامعه را از طریق جامعه پذیر نمودن افراد و به ویژه نسل نوجوان و جوان به عهده دارد.

به عبارت دیگر آموزش و پرورش از طریق شکل دهی بهینه اندیشه ها، گفتارها و رفتارهای سالم در افراد و گروه های اجتماعی با چشم انداز بستر جهانی این روابط، زمینه تعالی و تکامل اجتماعات انسانی را آماده

---

<sup>1</sup>. critical thinking

<sup>2</sup>. life skills

<sup>3</sup>. Holpern

می سازد. از مهم ترین آسیب های اجتماعی مربوط به این سازمان که اخیراً رشد چشمگیری داشته است، اعتیاد نوجوانان و دانش آموزان به مواد مخدر است.

تا دیروز نگران بودیم که دانش آموز خوب قادر نیست خوب بخواند ولی حال نگرانی که دانش آموز خوب قادر نیست خوب فکر کند. مطمئن نیستیم دانش آموز قادر باشد مطالب خوانده شده و موضوعات پیش روی خود را تحلیل و ارزشیابی کند (شعبانی، ۱۳۸۲).

با توجه به این شرایط، به نقش مدارس به عنوان مرکزی مهم و حیاتی برای پیشگیری از این آسیب و آسیب های دیگر توجه ویژه ای شده است. در برنامه های مربوط به پیشگیری از اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در مدارس، برنامه های آموزشی جایگاه ویژه ای دارد. این برنامه ها با هدف کاهش تقاضا یعنی ایجاد نوعی مصونیت ذهنی و روانی در برابر سوء مصرف مواد مخدر تدوین و اجرا می شوند.

از جمله موضوعاتی که می تواند محور آموزش در کلاس درس قرار گیرد، آموزش مهارت تفکر انتقادی است. با آموزش مهارت تفکر انتقادی می توانیم دانش آموزانی پرورش دهیم که با ذهنی باز به جهان بنگرند و همراه با تأمل و تفکر و احترام به نظرات دیگران و روحیه پرسشگری و نقاد به مسائل اطراف خود بنگرند و هیچ نظر و مطلبی را بی چون و چرا نپذیرند و اعمال و رفتار و حرفهای افراد جامعه (الگوها) را تحلیل و ارزیابی کنند (ویکتیس<sup>۱</sup>، به نقل از رفیع زاده تفتی، ۱۳۸۲).

با توجه به مسائل مطرح شده، مسئله قابل طرح در پژوهش حاضر این است که:

- آیا آموزش تفکر انتقادی، تأثیری بر مؤلفه شناختی نگرش خواهد داشت؟
  - آیا آموزش تفکر انتقادی بر مؤلفه عاطفی نگرش تأثیر خواهد داشت؟
  - آیا آموزش تفکر انتقادی تغییری در مؤلفه رفتاری نگرش دانش آموزان ایجاد می کند؟
  - و این که آیا تأثیر آموزش تفکر انتقادی به مدت سه ماه پایدار می ماند؟
- اینها سؤالاتی است که این پژوهش به صورت علمی به آن پاسخ خواهد داد.

---

<sup>۱</sup> . Wiktiss

## اهمیت و ضرورت پژوهش:

سوء مصرف مواد مخدر ریشه تاریخی، پیچیده و طولانی دارد. ولی در مسیر تاریخی خود چه در ایران و چه در جهان هیچ گاه به این فراوانی، شدت و عمق نداشته است. به همین دلیل نیازمند تدابیر جهانی و منطقه ای ویژه ای است.

پیامد های ناشی از مصرف مواد مخدر بر زندگانی مردم قابل توجه بوده است. به طوری که در پاره ای از جوامع سلائق و شیوه زندگی مردم را تحت الشعاع خود قرار داده و وارد نیاز های روزمره، شیوه زندگی و معیشت آنان گردیده است. حتی رهبران و سیاستمداران اکثر کشور های جهان را مجبور به موضع گیری اجتماعی و بین المللی نسبت به این قضیه نموده است. در هر جامعه ای با توجه به پیچیدگی های این معضل و میزان اثر آن بر زندگی اجتماعی و اوضاع سیاسی - اقتصادی مردم، روش های خاصی برای مبارزه در حال سازماندهی است.

اعتیاد یک بیماری جدی و خطرناک است که می تواند موجب از بین رفتن مسیر زندگی، هم بستگی خانوادگی، سلامتی، دارایی و روابط شود. الکل و مصرف مواد نه فقط موجب بیماری های قابل پیشگیری و مرگ زود رس می شود؛ بلکه مهم تر این که خانه و خانواده های ما تباہ می شوند (انجمن روان پزشکی امریکا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

یکی از کشورهایی که شدیداً مورد تهدید مواد مخدر است کشور ما، جمهوری اسلامی ایران می باشد. نزدیکی به محل تولید عظیم جهانی، قرار گرفتن در مسیر ترانزیت مواد مخدر و ده ها شرایط دیگر ایجاب می کند که روش های به کار گرفته شده در جامعه ما، عملیات طراحی شده، سیاست ها، قوانین و مقررات همه روزه مورد بازنگری کارشناسی قرار گرفته تا بتوانیم درپیشگیری از سوء مصرف مواد، کنترل مواد مخدر در سطح پخش، مبارزه با عبور و مصرف، برنامه ها و سیاست های مدون و مشخصی داشته باشیم. بی توجهی و

---

<sup>۱</sup> American Psychiatric Association

کم توجهی به این پدیده می تواند عواقب وخیم و شومی را در جامعه ما ایجاد کند که جبران ناپذیر خواهد بود.

سازمان بهزیستی کشور اعلام کرده است که میزان شیوع مصرف مواد در ایران، ظرف ۳۰ سال گذشته روند فزاینده داشته است. بیشترین میزان افزایش در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ رخ داده است. از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۶ از میزان رشد کاسته شده است و سپس مجدداً بعد از سال های ۱۳۶۷ میزان رشد آن تا سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است. در طی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ به طور متوسط میزان رشد بروز سوء مصرف مواد، سالانه ۸ درصد بوده است. به عبارت دیگر تقریباً هر ۱۲ سال دو برابر شده است. با مقایسه این نرخ با نرخ رشد جمعیت (که در ۲۰ سال گذشته به طور متوسط ۲،۶۳ درصد بوده است)، ملاحظه می شود که میزان رشد سوء مصرف مواد بیش از ۳ برابر نرخ رشد جمعیت بوده است. با توجه به این که هرم سنی جمعیت کشور به زودی تغییر شکل می یابد و اکثر گروه های سنی از گروه های سنی کودک و زیر ۱۵ سال، به سنین بالای ۱۵ سال (که در معرض خطر مصرف مواد می باشند) تغییر می یابند و به همراه آن کمبود امکانات آموزشی، تفریحی، بهداشتی و شغلی نمود بیشتری خواهد داشت، پیش بینی می شود در سال های آتی میزان رشد بروز مصرف مواد به شدت افزایش یابد (به نقل از عبد الله پور، ۱۳۸۷).

به عقیده فیش بین<sup>۱</sup> (۱۹۶۷)، مصرف مواد مخدر تحت تأثیر نگرشی است که نوجوانان به مواد دارند. شکل گیری نگرش مثبت یا منفی ناشی از ترکیب دانش، اطلاعات، باورها و عواطف نوجوانان درباره مواد مخدر از یک سو و میزان ارزشمندی است که برای آن ها قائل هستند.

نگرش ها بخش اصلی هویت انسان هستند و مرکز و محور روان شناسی اجتماعی. زیرا بر رفتار، پردازش اطلاعات و رویارویی اجتماعی تأثیر گذاشته و بخشی از خود انگاره فرد را تشکیل می دهند (بوهنر و وانک، ۲۰۰۲).

شکل گیری و تغییر نگرش، بدو تابع اصول یادگیری است و هر سه مؤلفه آن (شناختی، عاطفی و رفتاری) تحت تأثیر یادگیری قرار می گیرند. مثلاً در مطالعه نگرش های منفی درباره گروه های اجتماعی، به

---

<sup>۱</sup> . Fishbein